

ماجرای تصویری که همه در آن شهید شدند

ابوحامد گفت: حاجی! فاطمیون افغانستان دوست دارند با شما عکس یادگاری بگیرند. دور سردار جمع شدیم. ابوحامد درآمد: «از سمت راست این عکس دانه‌دانه بچه‌ها شهید خواهند شد!» همه رفتند. از آن تصویر فقط من مانده‌ام و یکی. دو نفر دیگر. برای مطالعه این روایت از زبان دانیال فاطمی نمایه کیوآر کد مقابل را اسکن نمایید.



پشیمانی مادری که مقرر مخفی فاطمیون را پیدا کرد!

می‌گفت: کاش قلم پایم می‌شکست و نمی‌آمدم. کاش پسرم را ثبت نام می‌کردی!... همه بهت‌زده نگاه می‌کردیم. نه به آن هفته و نه به این هفته. وقتی کمی آرام شد پرسیدیم چه شده؟ گفت: ... برای مطالعه ادامه این روایت نمایه کیوآر کد مقابل را اسکن نمایید.



نگران شوند حالا در خانه مراعات حال مادر را می‌کرد اما حتی به دوستان نزدیکش هم چیزی نمی‌گفت به آنها گفته بود که در آنجا آبدارچی هست.

هم عهدی با امام هشتم و شهداء

شهید مدافع حرم «رضا بخشی» در همان شب و روزهای اعتکاف‌های عاشقانه اش در حرم مطهر رضوی برگزیده شد و یا شاید در شب و روزهای محرم دوران ۱۴ سالگی که با چه عشقی و حالی مداحی می‌کرد؛ در مسجد محل و یا شاید در عهد و پیمانی که در کاروان راهیان نور با شهدای هشت سال دفاع مقدس بسته بود خدا می‌داند همیشه اولین کاری که بعد

از آمدن از سوریه می‌کرد این بود که هنوز وسایلیش را بر زمین نگذاشته به حرم مطهر رضوی می‌رفت و با حال و هوایی ویژه زیارت امین الله می‌خواند. او خود را برای ادامه دادن تحصیلاتش در مقطع دکتری در رشته دانشگاهی اش حقوق آماده می‌کرد؛ نا گفته نماند که موضوع پایان‌نامه ارشدش را تحولات پیرامون سوریه انتخاب کرده بود.

بوسه‌ای که به بهشت افتاد

مادرش هیچگاه صورتش را هنگام خداحافظی نمی‌بوسید؛ چون که فکر می‌کرد اگر صورت مسافرا را ببوسد دیر باز می‌گردد و برگشتنش طولانی میشود. بار آخری که رفت قول داده بود به مادر که دو هفته‌ای برگردد؛ واقعا درست گفته‌اند (مرد است و قولش) و به قولش عمل کرد و درست دو هفته بعد در سن ۲۷ سالگی روز شنبه ۹ اسفند ماه سال ۱۳۹۳ و در حال و هوای ایام فاطمیة در درگیری با تروریست‌های تکفیری در جریان عملیات آزادسازی تل قرین در حومه منطقه درعا دعوت حق را لبیک گفت و در کنار فرمانده ابوحامد آسمانی شد. رژیم صهیونیستی از ترس حضور این مردان بزرگ منطقه را موشک باران کرد اما کوه ایمان بچه‌های فاطمیون استوار و قوی ایستاد و آنها را شکست داد. وقتی که خبر شهادتش را به خانواده دادند گفتند: بنویسید سردار رضا بخشی (فاتح) خبر شهادتش همانند مهربانی‌هایش خانواده را غافلگیر کرد.

خیلی از رزمنده‌های
ایرانی و عراقی و
لبنانی و سوری و دیگر
مدافعان حرم او را به
نام (فاتح) می‌شناختند
و می‌دانستند هر جا که
فاتح پا بگذارد عملیات
حتما با پیروزی همراه
است. نبردهای
رو در رویش با تکفیری‌ها
ورشادت‌ها و دلیری‌های
شهید همچنان در
عتیبه، ملیحه و درعا و
غوطه شرقی و حلب بر
زبان رزمنده‌های مقاومت
جاریست



در تصویر فوق از سمت راست شهید علی احمد فیاض (لبنانی)، شهید حسین بادیا (ایرانی) و شهید فاتح (افغانستانی) در کنار فرمانده شهید نیروی قدس سپاه پاسداران دیده می‌شوند.



شهید فاتح در کنار بلال و شهید غلامرضا محمدی